

صفاتی آدمی را در دنیا ازین صفت بهتر نباشد که خاک
 صفت باشد **نخاک آید خلود نیک** پس ای بزرگوار
مطلب بوشمند باید که در امرهای خداوند قلی صابر باشی
 هیچ صفاتی در دنیا طالبان از بهتر از صبری با نبرد هر کوفته
الکسیر مفتاح الفرج
 صوری در زجر بیدستی **که در این چهار چیز آید کلید**
مستویست که بن عباس رضی الله عنه میگوید که هر روز قرآن
 سه مرتبه اول در طاعت پس صد درجه در ثواب
دوم در راهم شکر صد مرتبه است **سیم** در وصیت در
 مصیبت و آن صد درجه است **چهارم** صبر در بلا یا در جهل
 صدیقانست یکی از بزرگان این کلمات را بر کافری
 نوشته نگاه میداشت **الصراف کنا عینا هرگاه که**
 ویرانچی رسیدی آن کافر را از جیب خود بر آورده

بخواندی

بر خواندی **اما بنظر علی** در کیمیا آورده که کسی را در
 صحت ازین زنده و آن مردمانی نکرده و وی پسندید که کسی
 این همه زخم خوروی آن ندری و تنالید و گفت شیخی منویک
 دار که معشوقم در بر ابر حاضر بود و میگردید برای من
 از نظاره وی بالعم زخم شعور زده اشتمت
 بر که او در عشق صادق **آید** بر پرش مستوفی عاشق
 تونیستی جمال عشق نکرده **کمال** ی شغوی وصف یار است
همان ای طالب بوشمند الکیسی تحصیل علم اولین آخرین
 کرده باشند در نفس آخر هیچ علمی وی را دستگیری نمی
 گردد و هم معلومات از لوح مدرک بخوانند که آنکه حصه
 حاضر کرده باشد آنچه در نفس آخر دستگیری میکند همین
الاصحاب امرزقنا **طالب** بوشمند **یک** قدر جوئی را
 داند چند روزی خود را بر ریاضت قرار دهد تا ملک